

سوالات فلسفه پایه یازدهم

سوالات درس اول: (چیستی فلسفه)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- از آن هنگام که یک فرد به نحو جدی به یک سری پرسش های ویژه و اساسی بپردازد و رسیدن به پاسخ آنها دغدغه خاطر او شود، وارد تفکر شده است.
فلسفی
- ۲- تفکر.....لازمه زندگی هراسانی است.
فلسفی
- ۳- تفکر فلسفی و نیز اندیشیدن درباره سوال های ویژه و اساسی یک ضرورت.....و.....است.
عام- همگانی
- ۴- تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سوال های ویژه و اساسی موجب ظهور دانشی به نامگشته است.
فلسفه
- ۵- فلسفه دربارهو.....مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند.
بنیادی ترین- نهایی ترین
- ۶- فیلسوف دراصل و.....جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند.
حقیقت
- ۷- مسئله های فلسفی مانند مسئله های، فقط با عملیاتمی توان به حل آنها پرداخت.
ریاضی- فکری

درست یا نادرست بودن عبارت های زیر را مشخص کنید.

- ۸- هنگامی که یک فرد به نحو جدی به یک یکسری پرسش های ویژه و اساسی بپردازد و رسیدن به آنها دغدغه خاطر او شود وارد تفکر فلسفی شده است. صحیح
- ۹- تفکر فلسفی و اندیشیدن درباره سوال های ویژه و اساسی یک ضرورت عام و همگانی است.
صحیح
- ۱۰- تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سوال های ویژه و اساسی موجب ظهور دانشی به نام «فلسفه» گشته است.
صحیح
- ۱۱- فیلسوفان کسانی هستند که به مسائل ویژه و اساسی به صورت قانونمند و تخصصی می پردازند و پاسخ های دقیقی به این قبیل سوال ها می دهند.
صحیح
- ۱۲- پژوهش های تجربی، تاریخی، نقلی، ذوقی، ادبی، در مسئله های فلسفی کاربرد دارند.
غلط
- ۱۳- تفکر فلسفی لازمه زندگی هراسانی نیست.
غلط

سوالات کوتاه پاسخ و تشریحی

- ۱۴- نمونه ای از سوالات بنیادین را بنویسید؟ چرا درد ورنج هست؟ آیا نمی شد در جهانی زندگی کنیم که خبری از درد ورنج در آن نباشد؟ سعادت واقعی چیست؟ آیا می توان آن را بدست آورد؟ سرانجام ما انسان ها در کره زمین چیست؟ جهان چه سرانجامی دارد؟ آیا ما جهان، اشیاء و پدیده ها را همان گونه که هستند می توانیم دریابیم؟
- ۱۵- چه زمانی می توان گفت فردی وارد تفکر فلسفی شده است؟ از آن هنگام که یک فرد به نحو جدی به یک سری پرسش های ویژه و اساسی بپردازد و رسیدن به پاسخ آنها دغدغه خاطر او شود، وارد تفکر فلسفی شده است، حتی اگر یک کارگر یا فیزیک دان یا پزشک و مغازه دار باشد.
- ۱۶- چه عاملی باعث ظهور فلسفه شده است و فلسفه عهده دار بررسی چه مسائلی است؟ تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سوال های اساسی و بنیادی موجب ظهور دانشی به نام فلسفه شده است دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند این قبیل سوال های اساسی و بنیادی است و فیلسوفان کسانی هستند که به این مسئله به صورت قانونمند و تخصصی پرداخته اند و پاسخ های دقیقی به این قبیل سوال ها داده اند. از همان آغازین روزهای حیات فکری انسان، افرادی به اهمیت این قبیل پرسش هایی بردند و با دقت و تامل فراوان، برای دستیابی به پاسخ صحیح تلاش کردند. نتیجه تلاش آنان شکل گرفتن دانش فلسفه بود.
- ۱۷- ویژگی های تفکر فلسفی را بنویسید؟ ۱- توجه به بنیادی ترین مسئله ها و موضوعات و بررسی آنها ۲- استفاده از روش عقلی و استدلالی
- ۱۸- دانش فلسفه چه تفاوتی با سایر علوم دارد؟ و مرز جدایی آن با سایر علوم در چیست؟ فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند و این تفاوت اساسی فلسفه با سایر دانش هاست. فیلسوف دراصل و حقیقت جهان، طبیعت،

انسان وسایر اموری که نام برده شد، کاوش می کند. فلسفه درهرموضوعی به دنبال پرسش های خاصی است، نهایی ترین پرسش ها درباره چیستی وچرایی امور، فلسفه به این معنا همه چیز را دربر می گیرد. اما آنچه به این همه وحدت می بخشد وهمه را تحت عنوان فلسفه جمع می کند، توجه به بنیادی ترین مسئله هاست.

۱۹- روش تفکر فلسفی چگونه روشی است؟ توضیح دهید؟ مسائل فلسفی را نمی توان ازطریق حواس یا آزمایش یا جستجو درطبیعت حل کرد وپاسخ داد. هنگامی که با این گونه پرسش ها روبرو می شویم، هرگز نمی توانیم ازحس بینایی یا بویایی یا میکروسکوپ یا تلسکوپ یا هر نوع ابزار دیگر استفاده کنیم بلکه درموضوعات فلسفی عقل می کوشد درخود کاوش کند وبا عمل تفکروتعقل وباتجزیه دانسته ها به حل مسئله وکشف مجهول نزدیک شود.

۲۰- چرا حل مسائل ریاضی مانند فلسفه است؟ یعنی میکروسکوپ وآزمایشگاه وتجربه وحواس به حل آنها کمکی نمی کنندوقط با عملیات فکری می توان به حل آنها پرداخت.

سوالات درس دوم (ریشه وشاخه های فلسفه)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- بخش اصلی فلسفه که به منزله ریشه و پایه فلسفه است..... نام دارد.
 - ۲- با آنکه موجودات در خصوصیات گوناگون تفاوت دارند اما در یک چیز شریک اند و آن اصل..... است.
 - ۳- فلسفه اولی نام دیگری است بر..... که پیرامون بحث می کند.
 - ۴- آن بخش از فلسفه که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کند..... نام دارد.
 - ۵- دانشی که احکام وقواعدی را به دست می آورد که مربوط به خود هستی و وجود است، نه یک وجود خاص نام دارد.
- فلسفه اولی یا مابعد الطبیعه
- ۶- فیلسوفان درباره مسئله های مربوط به تحقیق می کنند و برای به دست آوردن قوانین حاکم بر..... تحقیق وتامل می کنند.
 - ۷- در حقیقت شاخه های فلسفه رابط با رشته های مختلف ومعرفت اند.
 - ۸- به عقیده افلاطون، حقیقت اصلی، است، نه این عالم و برترین وجود هم، است نه انسان. عبارت های صحیح و غلط رامشخص کنید.
 - ۹- دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی وتعدادی بخش های فرعی است.
 - ۱۰- بخش اصلی فلسفه که به منزله ریشه و پایه فلسفه است، فلسفه علم نام دارد.
 - ۱۱- هرگاه خصوصیات یک وجود مورد توجه مآقرار گیرد به سراغ مابعد الطبیعه می رویم.
 - ۱۲- فلسفه فقط از هستی وقواعد آن بحث می کند و در هر موضوعی به بنیادی ترین مسئله های آن می پردازد.
 - ۱۳- بخش اصلی فلسفه وبخش های فرعی آن کدامند؟ بخش اصلی که به منزله ریشه و پایه فلسفه است «فلسفه اولی» نام دارد وبخش های فرعی که به منزله شاخه ها وفروع فلسفه اند، هر کدام به نام ویژه ای، مانند «فلسفه علم» و «فلسفه هنر» و... نامیده می شوند.
 - ۱۴- وجه اشتراک واختلاف همه اشیاء و پدیده ها چیست؟ در اصل وجود مشترک اند و در خصوصیات گوناگون فرق دارند.
 - ۱۵- مابعد الطبیعه و علوم مختلف هر کدام موجودات را از چه جنبه ای بررسی می کنند؟ در علوم، مابا جنبه خاصی از اشیاء سروکار داریم مانند بحث «کمیت» یا بحث «مقدار» در ریاضیات اما فلسفه اولی آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کند. احکام وقواعدی رابه دست می آورد که مربوط به هستی و وجود است، نه یک وجود خاص.
 - ۱۶- معمولا چه زمانی به سراغ علوم مختلف می رویم؟ هرگاه خصوصیات و ویژگی های یک وجود خاص مورد توجه مآقرار گیرد.
 - ۱۷- مابعد الطبیعه یا فلسفه اولی راتعریف کنید؟ فلسفه اولی آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کند. احکام وقواعدی رابه دست می آورد که مربوط به خود هستی و وجود است، نه یک وجود خاص.
 - ۱۸- توضیح دهید فیلسوفان در بررسی اشیاء در مورد چه مسئله های مهمی تحقیق وتامل می کنند وتلاش آنها در چه زمینه ای است؟

فیلسوفان درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کنند و برای به دست آوردن قوانین حاکم بر کل هستی تحقیق و تامل می کنند. برخی به نتیجه می رسند و برخی نتیجه ای نمی گیرند. گاهی پاسخ های متفاوت به یک سوال می دهند و بایکدیگر اختلاف پیدا می کنند. فیلسوف می کوشد با کمک عقل و استدلال و منطق، پاسخ درست را بیابد و عوامل اشتباه و موانع پیش رو را از سر تفکر بردارد و به حقیقت، آن گونه که هست برسد.

۱۹- بین فلسفه و علوم مختلف چه ارتباطی وجود دارد؟ شاخه های فلسفه، رابط فلسفه اولی بارشته های مختلف دانش و معرفت اند. فلسفه فقط از هستی و قواعد آن بحث نمی کند بلکه در هر موضوعی به بنیادی ترین مسئله های آن می پردازد و درباره آن تامل می کند. از این رو فلسفه با هنر، جامعه شناسی، فیزیک، روان شناسی و سایر علوم ارتباط دارد، اما هیچ یک از این دانش ها هم نیست. پس فلسفه اولی ای او در بردارنده پیام های خاصی برای هنر، جامعه، طبیعت، دین و مانند آنهاست.

۲۰- هر فیلسوف با توجه به چه اموری در مسائل علوم مختلف اظهار نظر می کند؟ با توجه به دیدگاه خاصی که در «فلسفه اولی» دارد، به گونه ای خاص در مسائل بنیادی هنر، جامعه، فیزیک، روان و مانند آنها اظهار نظر می کند.

۲۱- با توجه به دیدگاه خاص افلاطون در مورد فلسفه اولی عقیده وی درباره عالم «مثل» را توضیح دهید؟ افلاطون در فلسفه اولی خود اعتقاد دارد که علاوه بر عالم طبیعت، عالم برتری به نام عالم «مثل» هست که عالم طبیعت برگرفته از آن عالم است و نسبت عالم طبیعت به آن عالم مانند سایه نسبت به صاحب سایه است. حقیقت اصلی و برتر، آن عالم است، نه این عالم و برترین وجود هم، مثال خیر است، نه انسان. با توجه به این برداشت از جهان، وی دیدگاهی در انسان شناسی و فلسفه اخلاق دارد که می گوید هدف حقیقی انسان رسیدن به عالم مثال و خیر مطلق است، نه ماندن در عالم طبیعت که عالم سایه هاست.

۲۲- آیا می توان برای هر رشته علمی یک فلسفه نیز طراحی کرد و نحوه پیدایش آنها چگونه است؟ بله- با تامل فیلسوفانه درباره اخلاق، دین، طبیعت، تاریخ، علم و تربیت، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه طبیعت، فلسفه تاریخ، فلسفه علم و فلسفه تربیت پدید می آید که به آنها فلسفه مضاف می گویند.

سوالات درس سوم (آغاز تاریخی فلسفه)

جاهای خالی را کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- مورخان فلسفه در غرب، تاریخ فلسفه را غالباً از پیش از سقراط آغاز می کنند. یونان-فلاسفه یونانی
- ۲- نمی توان برای دانش فلسفه، از نظر آغازی تعیین کرد. زمانی
- ۳- تالس در قرن ششم پیش از میلاد می زیسته است پیش از او اندیشه های مربوط به خدایان و جنگ ها و درگیری های آنان میان مردم رواج داشت. اسطوره ای و تخیلی
- ۴- تاریخ فلسفه نویسان غرب، غالباً از یونان و فلاسفه یونانی پیش از آغاز می کنند و معمولاً رانخستین فیلسوف یونانی معرفی می نمایند. سقراط - تالس
- ۵- اندیشه های فلسفی یونان ریشه در اندیشه های فلسفی تمدن بین النهرین و دارد. مصر- ایران باستان خدای یگانه
- ۶- درمختصری از آثار باقی مانده پارمیندس، وی به روشنی از یاد می کند. شعر- شاعرانه
- ۷- پارمیندس فلسفه خود را به صورت عرضه کرده و با بیانی به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخته است. آتش
- ۸- هراکلیتس معتقد بود که عنصر اولیه ای که سازنده سایر عناصر است است. شکل های هندسی
- ۹- فیثاغورس می گوید: اساس همه اشیاء است. آب
- ۱۰- تالس می گوید: این چیز و بنیان همه اشیاء است.

درست یا نادرست بودن عبارات های زیر را مشخص کنید.

- ۱۱- نمی توان برای دانش فلسفه، از نظر زمانی آغازی تعیین کرد. صحیح
- ۱۲- اطلاعات امروز ما به هیچ وجه نمی تواند تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهد. صحیح

۱۳- در تاریخ فلسفه ها آمده است، گزارش معتبر وقابل اعتمادی از جریان فلسفه در سرزمین مصر و ایران در قرن چهارم و پنجم پیش از میلاد در دست است.

غلط

صحیح

۱۴- اندیشه های فلسفی یونان ریشه در اندیشه های فلسفی تمدن مصر، بین النهرین و ایران باستان دارد.

غلط

۱۵- مورخان فلسفه در غرب، تاریخ فلسفه را غالباً از یونان و فلاسفه یونانی پیش از افلاطون آغاز می کنند .

۱۶- فیثاغورس یکی از فیلسوفان اولیه است و همانطور که پایه گذار ریاضی و هندسه است یکی از پایه گذاران فلسفه نیز محسوب می شود.

صحیح

غلط

۱۷- هراکلیتس به روشنی از خدای یگانه یاد می کند.

۱۸- به عقیده پارمیندس ، فقط یک خدا، بزرگ ترین خدا در میان خدایان و آدمیان ، که نه تنها در صورت شبیه مخلوقات فانی است و نه در فکر و اندیشه .

غلط

غلط

۱۹- تالس می گوید: آتش اولین چیز و بنیان سایر چیزهاست.

۲۰- پارمیندس ، معتقد بود هستی و وجود حقیقتی ثابت دارد، نه در حال حرکت و شدن.

صحیح

سوالات کوتاه پاسخ

۲۱- مورخان فلسفه در غرب ، غالباً تاریخ فلسفه را از کدام سرزمین و فلاسفه می دانند؟ یونان و فلاسفه یونانی

۲۲- مورخان فلسفه در غرب ، کدام فیلسوف رانخستین فیلسوف یونانی معرفی نموده ، در چه قرنی می زیسته و چگونه می توان از افکار او آگاه شد ؟ تالس در قرن ششم پیش از میلاد- چون هیچ گونه نوشته ای از وی باقی نمانده ، تنها از روی نوشته ای فیلسوفان بعدی می توان از افکار او آگاه شد.

۲۳- چهارتن از نخستین فیلسوفان یونان رانام ببرید؟ تالس- فیثاغورس- گزنوفانس- هراکلیتس

۲۴- کدامیک از فیلسوفان نخستین یونان هم پایه گذار ریاضی و هندسه است و هم یکی از پایه گذاران فلسفه محسوب می شود؟ فیثاغورث

۲۵- فیثاغورث چگونه توانست یک دستگاه عمیق فلسفی بنیان نهد؟ با درآمیختن ریاضیات به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان

۲۶- چرا به «هراکلیتوس» لقب هراکلیت تاریخ اندیش داده اند؟ چون سخنانش آمیخته با ابهام و پیچیدگی بود.

۲۷- به عقیده تالس، ماده اولیه موجودات چیست، و از چه چیزی ساخته شده اند؟ آب- تاس می گوید: آب اولین چیز و بنیان سایر چیزهاست. همه چیزها از آب ساخته شده است. به گمان او زمین نیز روی آب قرار گرفته است.

۲۸- دیدگاه فلسفی پارمیندس درباره هستی و وجود چیست بیان کنید؟

به نظر وی، هستی و وجود حقیقتی ثابت دارد، نه در حال حرکت و شدن

۲۹- چرا برخی از محققان اروپایی کتاب های تاریخ فلسفه خود را با یونان آغاز کرده اند؟

زیرا گزارش معتبر وقابل اعتمادی از جریان فلسفه در سرزمین آتن و تمدن یونان، در قرن های چهارم و پنجم پیش از میلاد ، در دست است.

۳۰- پیش از تالس چه اندیشه هایی میان مردم رواج داشت؟

اندیشه های اسطوره ای و تخیلی و افسانه های مربوط به خدایان و جنگ ها و درگیری ها آنان

۳۱- پارمیندس فلسفه و عقاید فلسفی خود رابه چه صورتی عرضه و باچه توصیفی بیان نموده است؟

به صورت شعر- بایبان شاعرانه

۳۲- عناصر اولیه جهان طبق دیدگاه فیثاغورس چیست؟ شکل های هندسی و اصول ریاضی

۳۳- نظر پارمیندس را در مورد هستی و وجود بنویسید؟

به نظر وی هستی و وجود حقیقتی ثابت دارد، نه در حال حرکت و شدن

سوالات تشریحی

۳۴- آیا می توان برای دانش فلسفه از نظر مکان یا زمان آغازی تعیین کرد؟ چرا؟

خیر - تمی توان برای دانش فلسفه ، از نظر زمانی آغازی تعیین کرد، همان طور که نمی توان گفت فلسفه ابتدا در کدام سرزمین پدید آمده است، البته ، این سخن درباره دانش ها صدق می کند. بی تردید هر جا که تمدنی شکل گرفته کسانی هم بوده اند که درباره اساسی ترین مسئله های هستی و زندگی بشر می اندیشیده و سخن می گفته اند، گرچه آثار مکتوبی از آنان به ما نرسیده باشد و ما اطلاعی از آن اندیشه ها و سخن ها نداشته باشیم .

۳۵- ارسطو درباره فیثاغورث و پیروان او چه دیدگاهی دارد؟

فیلسوفانی که به نام فیثاغورسیان خوانده می شوند، نخستین کسانی بوده اند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده اند، در نظر آنان ، اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند.

۳۶- کدامیک از فلاسفه نخستین یونان در آثار باقی مانده از وی، به روشنی از خدای یگانه یاد کرده، دیدگاه او را در این مورد بنویسید؟
- دیدگاه گزنوفانس را در مورد خدا بنویسید؟

گزنوفانس- فقط یک خدا، بزرگ ترین خدا در میان خدایان و آدمیان، که نه در صورت، شبیه مخلوقات فانی است و نه در فکر و اندیشه ، خدایی که همیشه ثابت است و حرکت ندارد و این گونه نیست که گاهی اینجا باشد و گاهی آنجا.

۳۷- از نظر هراکلیتس عنصر سازنده سایر عناصر چیست توضیح دهید؟

آتش- آتش همواره در حال سوختن و تبدیل شدن است، در حال فراز و فرود است. شعله می گیرد و خاموش می شود و دوباره برافروخته می شود. در این تغییر و تبدیل هاست که اشیای گوناگون چدیدار می شوند و ظاهر می گردند. این یک ستیزه و جنگ دائمی است و همین ستیزه و جنگ دائمی منشأ پیدایش موجودات مختلف است.

سوالات درس چهارم (فلسفه و زندگی)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- انسان ها گاهی بدون آنکه فلسفه آموخته باشند، به فهم فلسفی و خود می پردازند. عقاید- باورهای
- ۲- تفکر فلسفی و؛ غور در باورهای مربوط به زندگی است. اندیشیدن- فیلسوفانه
- ۳- «تفکر فلسفی» آموختن چرایی و یافتن دلایل یا باورها درستی- نادرستی
- ۴- «تفکر فلسفی» پذیرفتن باورهای و کنار گذاشتن درست- باورهای نادرست
- ۵- زندگی برتر ، زندگی ای است که بر پایه بنا شده است. حقیقت
- ۶- مقصود از حقیقت باور درست و صحیح مطابق با است. واقعیت ها
- ۷- فیلسوف واقعی کسب را بر هر چیزی ترجیح می دهد. حقیقت
- ۸- در فلسفه می آموزیم برای بهتر زیستن از خود بیشترین بهره را ببریم. ظرفیت عقلانی
- ۹- فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون نمی پذیرد و درباره می اندیشید و اگر به درستی شان پی ببرد ، آنها را می پذیرد. دلیل- استدلال
- ۱۰- افلاطون می گوید: احساس نشانه فیلسوف است و هر فلسفه ریشه ای در دارد. حیرت- حیرت

درست یا نادرست بودن عبارت های زیر را مشخص کنید.

- ۱- انسانها گاهی بدون آنکه فلسفه آموخته باشند، به فهم فلسفی عقاید و باورهای خود می پردازند. صحیح
- ۲- برخی انسانها که لحظاتی به تفکر درباره باورهای می پردازند می خواهند به ریشه های باورهای خود برسند و بار دیگر درباره آنها بیندیشند. غلط
- ۳- با پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست خود بنیان های فکری مان را می سازیم و به آزاد اندیشی می رسیم. صحیح

۴- این باور که حرکت وجود دارد» یک باور حق است و اگر انسان بتواند زندگی خود را براساس این باور بنا کند، به زندگی برتر دست یافته است.

غلط

صحیح

۵- فیلسوف واقعی کسب حقیقت را بر هر چیزی ترجیح می دهد و زندگی را بر پایه های آن استوار می کند .

۶- فیلسوفان می کوشند با کاستن از مغالطه ها، فهم درستی از حقایق ، چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی، ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی مغالطه باشد، بیان کنند.

صحیح

غلط

۷- فیلسوف کسی است که باورهای نامنظم و ناپیوسته دارد و می تواند برای آنها استدلال ارائه کند.

۸- اگرما افکار، عقاید و عادت های خود و اطرافیان را بنگاه نقادانه بازبینی کنیم، درمی یابیم که برخی از این افکار و عقاید پیش‌توانه عقلی و منطقی محکمی ندارند.

صحیح

صحیح

۹- یکی از ابعاد تمثیل غار افلاطون، نمایش گرفتاری انسان در غارت عادت ها و تعصب ها و نادانی هاست

۱۰- مقصود از حیرت فلسفی، سرگردانی و بی هدفی و نظایر آن که ناشی از ضعف در اندیشه ورزی است، نمی باشد بلکه منظور منظور این است که سوال چنان عظمتی دارد که ما را در تحیر فرو می برد.

صحیح

سوالات تشریحی

۱۱- محصول تفکر فلسفی چیست یا چگونه رسیدن به آزاد اندیشی را بنویسید؟

تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه ، غور در باورهای مربوط به زندگی است چگونه رسیدن به آزاد اندیشی (۱) آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها

۱۲- ویژگی زندگی برتر چیست و ارتباط فلسفه با زندگی برتر در چیست؟

زندگی برتر زندگی ای است که بر پایه حقیقت بنا شده باشد، گرچه به دست آوردن این گونه از زندگی بادشواری هایی نیز همراه است مقصود از حقیقت در اینجا، یک باور درست و صحیح مطابق با واقعیت هاست. مثلاً این باور که « حرکت وجود دارد» یک باور حق است و اگر انسان بتواند زندگی خود را براساس این باور بنا کند، به بخشی از زندگی برتر دست یافته است فلسفه تلاشی خردمندانه برای کسب حقیقت است و عشق به خردمندی و هنر خوب زیستن است و فیلسوف واقعی کسب حقیقت را بر چیزی ترجیح می دهد بنابراین مادر فلسفه می آموزیم که برای بهتر زیستن از ظرفیت عقلانی خود بیشترین بهره را ببریم.

۱۳- برخی از آثار زندگی بر پایه فهم فلسفی را بنویسید؟ (۱) دوری از مغالطه ها (۲) استقلال در اندیشه (۳) رهایی از عادات غیر منطقی

۱۴- راه ورود به دنیای فلسفه و فلسفه ورزی چیست با توجه به تعریف فلسفه توسط حکمای باستان توضیح دهید؟

فلسفه ، عشق به خردمندی و هنر خوب زیستن است. انسان ذاتاً متفکر است و درباره خود، آغاز و انجام جهان ، هدف زندگی و غایت هستی می پرسد . همین پرسشگری ورود به دنیای فلسفه و فلسفه ورزی است.

۱۵- چرا فیلسوفان می کوشند تا از مغالطه دوری کرده و نمونه هایی از آنها را تشریح کنند؟

چون فلسفه می کوشد تا آتدیشه های فلسفی درست را از غلط تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد بنابراین فیلسوفان نیز می کوشند با کاستن از مغالطه ها، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی، ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، بیان کنند. و علت تشریح مغالطه ها برای عبرت گرفتن دیگران است.

۱۶- ویژگی های فیلسوف واقعی را بنویسید؟

(۱) کسب حقیقت را بر هر چیز دیگری ترجیح می دهد (۲) زندگی را بر پایه های حقیقت استوار می کند (۳) هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد (۴) عقیده اش را بر پایه توهّم تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند (۵) او درباره استدلال ها می اندیشد و اگر به درستی شان پی ببرد ، آنها را می پذیرد. (۶) باورهای منظم و پیوسته دارد و می تواند برای آنها استدلال کند.

۱۷- فرق اندیشیدن فیلسوف با دیگران در مورد مسائل بنیادین در چیست؟

اولاً فیلسوف درباره مسائل بنیادین به نحو جدی فکر می کند ثانیاً با روش درست وارد مسائل بنیادین می شود و پاسخ می دهد.

۱۸- چگونه کشف حقیقت و آزاداندیشی را نوشته و بیان کنید با کمک چه ابزاری و چه پشتوانه ای صورت می گیرد؟

برای کشف حقیقت (۱) ابتدا باید زنجیر عادت های نابخردانه، پیش داوری ها، تعصب های بیجا و دنباله روی های کور کورانه از سلیقه های گوناگون راباکمک عقل و خرد، پاره کرد و فکرا از تأثیر پذیری از آنها رهایی بخشیم (۲) آنگاه آزاد از این زنجیرها و قیود اندیشید و به تدریج زندگی را بر زیربنایی محکم و استوار بنا کرد (۳) پس از طی این مقدمات، می توات فارغ از این قید و بندها با پشتوانه خرد و فهم عقلانی اندیشید.

۱۹- تمثیل غار افلاطون چه ارتباطی با کشف حقیقت دارد؟ یکی از ابعاد غار افلاطون، نمایش گرفتاری انسان در غار عادت ها و تعصب ها و نادانی هاست روشن است که رهایی از غار و رسیدن به روشنائی، برای کسی که در غار نشسته و زنجیر بردست و پادارد، بسیار سخت خواهد بود

۲۰- با توجه به تمثیل غار چگونگی وصول به حقیقت و رهایی از عادت های غیر منطقی را بنویسید؟

یکی از ابعاد غار افلاطون، نمایش گرفتاری انسان در غار عادت ها و تعصب ها و نادانی هاست روشن است که رهایی از غار و رسیدن به روشنائی، برای کسی که در غار نشسته و زنجیر بردست و پادارد، بسیار سخت خواهد بود از این رو انسان باید پیش از گرفتار شدن در این قبیل زنجیرها، خود را مهیای شنیدن سخن حق کند و در برابر حقیقت متواضع باشد، سختی های راه را بپذیرد و انضباط و نظم عقلی را هرگز فراموش نکند.

۲۱- آغاز تفکر فیلسوفانه چیست و دیدگاه افلاطون در این خصوص بنویسید؟

آغاز تفکر فیلسوفانه درک عظمت و اهمیت سوالات بنیادین است که ورود به وادی حیرت است، افلاطون می گوید: « احساس حیرت، نشانه فیلسوف است و هر فلسفه ای ریشه در حیرت دارد»

۲۲- آیا هر حیرتی، حیرت فلسفی است و آیا ملاک فلسفی بودن یک مسئله حیرت چیست؟ خیر- ملاک فلسفی بودن یک مسئله تنها حیرت زابودن نیست بلکه عوامل دیگری نیز حیرت انسان را برمی انگیزد.

۲۳- ویژگی حیرت فلسفی را بنویسید؟ الف) برخاسته از عظمت سوال بنیادین است. ب) آغاز تفکر فیلسوفانه است.

سوالات درس پنجم (زندگی بر اساس اندیشه)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های بود.
- ۲- سوفسطائیان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت و آنچه را که معلم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و با ندارد.
- ۳- سوفسطائیان با کمک اقسام مغالطه ها و به نشر اندیشه خود می پرداختند.
- ۴- سقراط برای احیای و استواری قیام کرده و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.
- ۵- از نظر سقراط، گریز از دشوار نیست، گریز از دشوار است.

درست یا نادرست بودن عبارت های زیر را مشخص کنید.

- ۶- سقراط در جامعه آتن (در زمان سوفسطائیان) پرچم علم و فضیلت را برافراخت. صحیح
- ۷- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های سوفسطائیان بود. صحیح
- ۸- سقراط کتاب های زیادی نوشت و سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد. غلط
- ۹- سقراط برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرده و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت. صحیح
- ۱۰- ملتوس نماینده متم کنندگان در دادگاه بود. صحیح
- ۱۱- از نظر سقراط دانای حقیقی فقط خداست صحیح
- ۱۲- از نظر سقراط گریز از مرگ دشوار است اما گریز از بدی دشوار نیست. غلط

سوالات کوتاه پاسخ

- ۱۳- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه چه گروهی بود؟ سوفسطائیان
- ۱۴- چه کسی در مقابل اندیشه های سوفسطائیان قیام کرد؟ سقراط
- ۱۵- سقراط چگونه توانست شالوده تفکر فلسفی اصیل را در جامعه آتن استوار سازد؟ با برافراشته کردن پرچم علم و فضیلت
- ۱۶- نماینده متهم کنندگان محاکمه سقراط در دادگاه چه کسی بود؟ ملتوس
- ۱۷- سرانجام محاکمه سقراط چه بود؟ ملتوس برای ادعای خود شواهدی ذکر کرد و در پایان از دادگاه برای سقراط درخواست مجازات مرگ نمود.
- ۱۸- از نظر سقراط دانای حقیقی کیست؟ خدا
- ۱۹- علت ترس از مرگ از نظر سقراط چیست؟ ترس از مرگ جز این نیست که آدمی خود را دانا بیندارد بی آنکه دانا باشد.
- ۲۰- راز پیام سروش معبد دلفی چه بود؟ تابه ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم.
- ۲۱- از نظر سقراط ماموریت خدایه او چه بود؟ خداوند مرامور کرده تا در جست و جوی دانش بکوشم و آن رابه دیگران بیاموزم
- ۲۲- از نظر سقراط چه کسی از خطر هراسی به دل راه نمی دهد؟ کسی که به راه درستی دست یافت و آن رادرپیش گرفت.
- ۲۳- اهمیت مطالعه دادگاه سقراط رابنویسید؟ این واقعه به ما کمک می کند که به حقایق بیشتری دست یابیم و در زندگی از آنها بهره ببریم.

سوالات تشریحی

- ۲۴- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه چه کسانی بود ، اعتقاد آنان رابنویسید؟
سوفسطائیان - آنان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابقی با واقعیت ها ندارد.
- ۲۵- سوفسطائیان چگونه بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند؟ (چگونگی نشر اندیشه سوفسطائیان رابنویسید؟)
آنان با کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند و بر شیوه زندگی مدم تأثیر می گذاشتند.
- ۲۶- سقراط چگونه توانست شالوده تفکر اصیل رادر جامعه آتن استوار سازد؟
در شرایطی که جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله می گرفت و حق طلبی درسایه جدل و سخنوری ماهرانه کم رنگ می شد، قهرمانی به نام سقراط پرچم علم و فضیلت رابرافراخت و برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرده و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.
- ۲۷- روش زندگی سقراط چگونه بود؟ فلسفه او چه ارتباطی با زندگی اش داشت؟ سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش رابافلسفه سپری کرد. زندگی وی حکایت واقعی فلسفه است. ما از مطالعه و تأمل در زندگی او می توانیم دفتر اندیشه های فلسفی اش را ورق بزنیم و به نقش حقیقی فلسفه در زندگی ، بیشتر پی ببریم.
- ۲۸- اتهام سقراط چه بود؟ جرم سقراط این است که خدایانی راکه همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید. با افکار خود جوانان راگمراه می سازد و آنها را از دین و آیین پدرانشان بر می گرداند.
- ۲۹- از نظر سقراط افترا بی که از دیر باز به اونسبت می دادند چه بود؟ آنان می گویند: سقراط رفتاری خلاف دین ما آتنیان درپیش گرفته و در پی آن است که به اسرار آسمان و زمین دست یابد. باطل راحق جلوه دهد و این کار رابه دیگران هم می آموزد.
- ۳۰- به نظر سقراط جست و جوی وی در چه چیزی سبب شده بود تابه غلط او را دانا بنامند؟
جست و جوی وی برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند.
- ۳۱- سقراط از جستجو برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کردند و همچنین کشف پیام دلفی به چه نتیجه ای رسید؟
کاوش و جست و جوی من برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده تا گروه بزرگی به غلط مرا «دانا» بنامند؛ در حالی که من دانا نیستم. فقط شاید به این دلیل که هر بار نادانی کسی را آشکار می کنم، حاضران مجلس گمان می کنند که آنچه را آنها نمی دانند، من می دانم .
- ۳۲- دلایل سقراط در اثبات وجود خدا رابنویسید؟ (سقراط وجود خدا را چگونه ثابت کرد؟)

سقراط بامتاننت گفت: «اما این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست. آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود؟ (سقراط از طریق صفات و آثار وجود خدا ثابت کرد)

۳۳- از نظر سقراط اگر کسی بخاطر ترس از مرگ یا بهر خطر دیگری از فرمان الهی سرپیچی کند سزاوار چه مجازاتی است؟ سزاوار است که دادگاهی تشکیل دهند و بگویند سقراط به خدا اعتقاد ندارد ارتکاب آن گناه دلیل بر سرپیچی از امر خداست؛ در آن صورت مدعی داشتن دانشی شده ام که درحقیقت فاقد آن هستم.

۳۴- دلیل پذیرش مرگ از نظر سقراط چیست؟ اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر است و اگر این سخن راست است که همه درگذشتگان در آنجا گردآمده اند، پس چه نعمتی بالاتر از اینکه آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی بر خود نهاده اند، رهایی یابد و با داوران دادگران جهان روبرو شود و بانیکان و بلند مرتبگان همنشین گردد اگر مرگ این است حاضریم بارها به کام مرگ روانه شوم.

سوالات درس ششم (امکان شناخت)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- شناخت ما از جهان، امری است که به حاصل می شود. یعنی با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر پیش می رویم. تدریج- شناخت
- ۲- علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما در مجموع است. محدود
- ۳- تأمل درباره مسائل مربوط به موجب می شود پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت برای ما پیش بیاید. شناخت
- ۴- «معرفت شناسی» بخشی از فلسفه است که به خود می پردازد. پدیده شناخت
- ۵- در گذشته برخی از مباحث در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد اما امروزه به صورت شاخه مستقلی درآمده است. معرفت شناسی
- ۶- این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده که به آن «معرفت شناسی» یا «.....» می گویند. نظریه معرفت
- ۷- هم معنای معرفت وهم امکان رسیدن به و برای هر انسانی روشن است. شناخت- معرفت
- ۸- افزایش پیوسته علم، نشانه توانایی بشر در اشیای پیرامونی است. شناخت
- ۹- شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل و همه امکان پذیر نیست. دانستن- دانسته ها

درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید.

- ۱۰- یکی از ویژگی های انسان، شناختن است. صحیح
- ۱۱- اینکه ما با دیگری سخن می گوئیم، اینکه به سمت چیزی می رویم همه ناشی از تعقل است. غلط
- ۱۲- ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود هیچ گونه شناختی نداریم. غلط
- ۱۳- شناخت ما از جهان، امری است که به تدریج حاصل می شود. صحیح
- ۱۴- ما آگاه هستیم که در کنار دانسته ها و آموخته ها، حقایق فراوان دیگری هم در عالم هست که آنها را نمی دانیم و نمی شناسیم. صحیح
- ۱۵- «معرفت شناسی» بخشی از عرفان است که به خود پدیده شناخت می پردازد. غلط
- ۱۶- هنگامی که فیلسوفی درباره موضوعاتی مانند هستی، جهان و انسان می اندیشید، ناگزیر درباره خوداندیشیدن و شناخت نیز دیدگاهی دارد. صحیح
- ۱۷- معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان پیچیده است که نیاز به تعریف دارد. غلط
- ۱۸- معرفت یا شناخت، همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است. صحیح

۱۹- امکان معرفت یک امر بدیهی نیست. غلط

۲۰- شکاکیت مطلق امکان پذیر نیست، و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او باشک مطلق ناسازگار است. صحیح

۲۱- از آنجا که بشر به طور طبیعی به امکان شناخت خود و پدیده های دیگر باور داشته، از ابتدای زندگی برای درک جهان تلاش کرد و معرفت و شناخت خود را افزایش داده است. صحیح

۲۲- دانش بشر به دو صورت پیشرفت می کند و کامل ترمی شود: با دستیابی به دانش های جدید درباره اشیا؛ از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح معلومات آنها صحیح

سوالات تشریحی

۲۳- شناخت که یکی از ویژگی های انسان است را توضیح دهید؟

ما انسان ها، اشیاء و پدیده های پیرامون خود را شناسایی می کنیم و از طریق این شناخت با آنها ارتباط برقرار می کنیم و از آنها استفاده می نماییم. اشیاء و افراد را می بینیم، صدای آنها را می شنویم، و با حوسمان بسیاری از ویژگی های آنها را حس می کنیم. همین که با دیگری سخن می گوئیم، به سمت چیزی می رویم از چیزی دور می شویم و از خطر هافاصله می گیریم و به سمت چیزی که تمایل داریم می رویم، ناشی از دانستن و شناختن است.

۲۴- توضیح دهید که آيا شناخت انسان تدریجی صورت می گیرد یا خیر؟

شناخت ما از جهان، امری است که به تدریج حاصل می شود. چنین نیست که از آغاز تولد همه چیز را می دانیم، بلکه گام به گام با پدیده های جهان آشنا می شویم.

۲۵- ویژگی های شناخت انسان را بنویسید؟ ۱- تدریجی است ۲- خطا پذیر است ۳- محدود است.

۲۶- انسان چگونه در مسیر شناخت قرار می گیرد؟ با عمل آموختن و یادگیری

۲۷- چرا شناخت انسان از جهان و پدیده های آن محدود است توضیح دهید؟

علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما محدود است و در کنار این دانسته ها و آموخته ها، حقایق بسیاری در عالم هست که آنها را نمی شناسیم. بطوری که گاهی متوجه می شویم که بعضی از چیزهایی که فکر می کردیم می دانیم، درست نبوده و ما دچار خطا شده ایم. همچنین گاهی متوجه می شویم که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند.

۲۸- معرفت شناسی را تعریف کرده و ارتباط آن را با فلسفه را بیان کنید؟ آن بخش از فلسفه که به خود پدیده شناخت می پردازد و در صدد است به پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت پاسخ دهد. معرفت شناسی همیشه جزئی از فلسفه بوده است.

۲۹- تاریخچه طرح مباحث معرفت شناسی در گذشته و حال را بنویسید؟ (با معرفت شناسی چگونه به صورت شاخه مستقلی از فلسفه درآمد؟)

در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد. اما در دوره جدید، به علت طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمد که به آن « معرفت شناسی» یا «نظریه معرفت» می گویند.

۳۰- منظور از «چیستی معرفت» چیست، توضیح دهید؟

معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان روشن و بدیهی است که نیازی به تعریف ندارد. حتی وقتی که از یک کودک می پرسیم «می دانی توپت کجاست» و او می گوید «آری می دانم» نسبت به معنای «می دانم» آگاه است. اگر ابهامی هم از جهت کلمه لغت باشد، حداکثر با بیان معادلی ابهام رفع می شود. مثلاً می گوئیم معرفت یا شناخت، همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است. به عبارت دیگر، وقتی کسی می گوید «توپ آنجاست» بدین معناست که او به وجود توپ در آنجا آگاه و عالم است و ما به ازای آگاهی او، یک توپ است که در آنجاست.

۳۱- آیا انسان می تواند جهان و اشیاء پیرامون خود را بشناسد و نسبت به آنها علم پیدا کند؟ توضیح دهید؟

بله، امکان معرفت یک امر بدیهی است. همین که اکنون این کتاب را گشوده ایم می خوانیم، به دلیل وجود هزاران علم و معرفت در ما است. ما وجود خودمان را درک می کنیم، وجود افراد و اشیای پیرامون خود را حس می کنیم و کمترین تردیدی نداریم که اشیایی در پیرامون ما هستند. بنابراین کسی به طور طبیعی در امکان اصل معرفت شک نمی کند. اما به دلیل مسائل پیچیده ای که در زندگی انسان ها وجود دارد، گاهی این امر بدیهی نیز چه در گذشته و چه در زمان حاضر انکار شده است.

۳۲- آیا شکاکیت مطلق (در شناخت) امکان پذیر است؟ چرا؟

خیر- زیرا شک در اصل دانستن و همه دانسته ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق ناسازگار است.

۳۳- دانش بشر به چند صورت پیشرفت می کند و کامل تر می شود؟

اول) بادستیایی به دانش های جدید درباره اشیاء

دوم) از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح معلومات آنها.

سوالات درس هفت (ابزارهای شناخت)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، که زمینه تفکر عقلی قرار می گیرد، توانایی مادر..... و..... اشیاء است. تفاوت- تمایزهای
- ۲- این نوع شناخت را که با همکاری عقل و حس به دست می آید، «.....» می گوئیم. شناخت تجربی
- ۳- شناخت تجربی بر چند قاعدهمهم متکی است که دانشمندان در هنگام بررسی داده های..... آن قاعده ها را در نظر دارند و از آنها بهره می برد. . عقلی- حسی
- ۴- ارسطو از اولین دانشمندانی است که مبانی را پایه گذاری کرد. علوم تجربی
- ۵- (ارسطو) که شاگرد افلاطون بود، علاوه بر تبصر در فلسفه، یک دانشمند..... نیز شمرده می شد. علوم طبیعی
- ۶- دانشمندیگری که در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم طبیعی نقش بسزایی دارد، است. ابن سینا
- ۷- ابن سینا توضیح داد که قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی آید، بلکه برعکس، خودش و..... هر تجربه ای است. پایه و اساس
- ۸- نیروی عقل انسان می تواند دریافته های درونی خود تأمل کرده و از آن طریق به شناخت هایی برسد که به آن «.....» می گوئیم. درون نگری
- ۹- از طریق درون نگری است که انسان می تواند درباره و..... به شناخت برسد. روح- روان
- ۱۰- دانستنی های فلسفه اولی از طریق حواس و تجربه به دست نمی آیند؛ بلکه فقط از طریق می توان به آنها رسید. تعقل محض
- ۱۱- معرفتی که از طریق «قلب» یا «دل» به دست می آید، «.....» نام دارد. معرفت شهودی
- ۱۲- معرفت شهودی معرفت و شناختی است؛ یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون..... حاصل می شود. بی واسطه- استدلال عقلی
- ۱۳- این ابزار (وحی) ویژه پیامبران است؛ خداوند از طریق وحی به واسطه پیامبران، معرفتی در اختیار بشر قرار می دهد که به آن «.....» می گویند. معرفت وحیانی
- ۱۴- هر دانشمندی که قواعد تدبر و اندیشه ورزی در..... را بیشتر رعایت کند، بهتر می تواند به و زوایای آن پی ببرد. وحی- حقایق

درستی یا نادرستی عبارات های زیر را مشخص کنید.

- ۱- گرچه گاهی در شناخت حسی خطا رخ می دهد، اما این شناخت به قدری برای معتبر است که بر پایه آن در طبیعت زندگی می کنیم درست
- ۲- یکی از نشانه های بی ارزش و بی اعتبار بودن شناخت حسی، که زمینه تفکر عقلی قرار نمی گیرد، توانایی مادر شناخت تفاوت ها و تمایزهای اشیاء نادرست است.
- ۳- شناخت های حسی متفاوت از آسیا، این امکان را به انسان می دهد که به کمک تجربه خود از اشیای متفاوت استفاده های مختلف بکند. نادرست
- ۴- عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته های حسی نمی تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد. نادرست
- ۵- شناخت تجربی بر چند قاعده عقلی مهم متکی است که دانشمندان در هنگام بررسی داده های حسی، آن قاعده ها را در نظر دارد و از آنها بهره می برد. درست

- ۶- ارسطو از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد. درست
- ۷- ارسطو علاوه بر تبحر در فلسفه، یک دانشمند علوم طبیعی نیز شمرده می شد. درست
- ۸- ابن سینا کتاب های متعددی هم در فلسفه و هم علوم طبیعی دارد که همواره مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی بوده است. درست
- ۹- یکی از قواعد مهم عقلی که شناخت تجربی به آن متکی است قاعده «پدیده ها خودبه خود پدید نمی آیند، بلکه هر پدیده ای نیازمند علت است» درست
- ۱۰- ارسطو علاوه بر فلسفه، در طبیعیات کتابی ننوشته است. نادرست
- ۱۱- ارسطو در طبیعیات خود مبانی طبیعت شناسی را بیان کرده و درباره علیت و اقسام علت سخن گفته است. درست
- ۱۲- ابن سینا در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم طبیعی نقش بسزایی نداشته است. نادرست
- ۱۳- ابن سینا در گسترش اندیشه های ارسطو درباره قانون علیت و ابعاد مختلف آن تأملات عمیقی کرد و توضیحاتی بیان نمود که همچنان قابل استفاده است. درست
- ۱۴- ابن سینا توضیح داد که قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست می آید، بلکه برعکس خودش پایه و اساس هر تجربه ای نیست. نادرست
- ۱۵- نیروی عقل انسان می تواند دریافته های درونی خود تأمل کرده و از آن طریق به شناخت هایی برسد که به آن «برون نگری» می گوئیم. نادرست
- ۱۶- دانستنی های دانش ریاضی و فلسفه اولی از طریق حواس و تجربه به دست می آیند. نادرست
- ۱۷- «قلب» یا «دل» یکی از ابزارهای معرفت انسان است که می تواند با واسطه به حقایق برسد و معرفت کسب کند. نادرست
- ۱۸- معرفتی که از طریق «قلب» یا «دل» به دست می آید «معرفت شهودی» نام دارد. درست
- ۱۹- معرفت شهودی از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادات خالصانه، به تدریج و گام به گام حاصل می شود. درست
- ۲۰- معرفت شهودی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی حاصل می شود. درست
- ۲۱- برای دریافت معرفت شهودی سیر و سلوک و تهذیب نفس ضروری نیست. نادرست
- ۲۲- (معرفت شهودی) این گونه شناخت را بدان جهت شهودی می گویند که قلب انسان حقیقت را چنان درمی یابد که گویا با چشم می بیند. درست
- ۲۳- عارف و سالک الی الله ممکن است نتواند در همین دنیا، آخرت و قسمت های مختلف آن از قبیل بهشت و جهنم رامشاهده کند. نادرست

سوالات تشریحی

- ۱- فیلسوفان در زمینه «شناخت» چه تلاش هایی کرده اند؟
- یکی از تلاش های فیلسوفان این است که اولاً بدانند در وجود انسان چه ابزارهایی هست که با آنها می اندیشد و ثانیاً محدوده و قلمرو کاربرد آن ابزارها و نیز میزان توانایی آنها در کسب معرفت تا چه میزان است.
- ۲- سوالاتی که فیلسوفان در زمینه شناخت با آنها روبرو بوده اند را بنویسید؟ (دومورد)
- آیا انسان تنها یک ابزار و یک راه برای دستیابی به معرفت دارد یا برای این مقصود ابزارهای مختلفی در وجود او هست؟ اگر انسان تنها یک ابزار دارد، چگونه می تواند اموری را که با یکدیگر بسیار تفاوت دارند، با همان ابزار بشناسد؟
- ۳- ابزارهای شناخت انسان را نام ببرید؟ ۱- حس ۲- عقل ۳- قلب ۴- وحی
- ۴- توضیح دهید چگونه توانایی مادر شناخت تفاوت ها و تمایزهای اشیاء یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی است؟
- شناخت های حسی متفاوت از اشیاء این امکان را به انسان می دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده های مختلف بکند؛ مثلاً اگر در مقابل ما یک لیوان آب و یک ظرف غذا باشد، برای رفع تشنگی لیوان آب را برمی داریم و برای رفع گرسنگی به سراغ ظرف غذایی روئیم. این عمل به ما می فهماند که مادر تشخیص لیوان آب و ظرف غذا اشتباه نکرده ایم.
- ۵- ابزار عقل با کمک و همکاری چه چیزی می تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی برده و قوانین طبیعی را بشناسد؟
- با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته های حسی
- ۶- شناخت تجربی چگونه شناختی است؟ شناختی که از همکاری عقل و حس به دست می آید و بواسطه این همکاری عقل با تحلیل یافته های حسی می تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد.
- ۷- قواعد عقلی مهمی که شناخت تجربی بر آنها متکی است را بنویسید؟
- (۱) پدیده ها خود به خود پدید نمی آیند، بلکه هر پدیده ای نیازمند علت است. (۲) هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی آید. (۳) طبیعت، همواره یکسان عمل می کند.
- ۸- اولین فیلسوف و دانشمندی که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد چه نام دارد؟ ارسطو
- ۹- ارسطو علاوه بر تبحر در فلسفه دانشمند چه علمی محسوب می شود؟ یک دانشمند علوم طبیعی

- ۱۰- چرا این سینا همواره مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی بوده است؟ چون در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم طبیعی نقش بسزایی داشته و در گسترش اندیشه های ارسطو درباره قانون علیت و ابعاد مختلف آن تأملات عمیقی کرد و توضیحاتی بیان نمود که همچنان قابل استفاده است.
- ۱۱- منظور از شناخت درون نگری چیست و عقل چگونه می تواند به آن دست یابد؟
- نیروی عقل می تواند دریافته های درونی خود تأمل کرده و از طریق آن به شناخت هایی برسد که به آن «درون نگری» می گوئیم .
- ۱۲- انسان چگونه می تواند درباره روح و روان به شناخت برسد؟ با ذکر مثالی توضیح دهید؟ از طریق درون نگری به طور مثال انسان ، بدون واسطه و به صورت حضوری معلومات قلبی خود را درک و در ذهن خود از آنها استفاده می کند و از این راه قوه حافظه در وجود خود پی می برد.
- ۱۳- منظور از شناخت عقلی چیست؟ دونه از این شناخت رانام ببرید؟ عقا قادر است بدون استفاده از یافته های تجربی و صرفاً با تأمل ، به حقایقی برسد و دانش هایی را پایه گذاری کند. به این قبیل دانش ها «شناخت عقلی» می گوئیم. بسیاری از دانستنی های ریاضی و فلسفه اولی
- ۱۴- معرفت شهودی چیست؟ و چگونه حاصل می شود؟ معرفتی که از طریق «قلب» یا «دل» بدون واسطه به دست می آید، «معرفت شهودی» نام دارد. این معرفت از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادات خالصانه، به تدریج و گام به گام حاصل می شود. برای دریافت آن سیر و سلوک و تهذیب نفس ضروری است.
- ۱۵- چرا به شناختی که از طریق قلب حاصل می شود معرفت شهودی گفته می شود؟ چون در آن قلب انسان حقیقت را چنان درمی یابد که گویا با چشم می بیند.

- ۱۶- یک نمونه از معرفت شهودی یا شهود قلبی مثال بزنید؟ عارف و سالک الی الله ممکن است بتواند در همین دنیا، آخرت و قسمت های مختلف آن از قبیل بهشت و جهنم را مشاهده کند. این قبیل مشاهدات ، از نوع شهود قلبی است و از طریق چشم صورت نمی پذیرد.
- ۱۷- منظور از «معرفت و حیانی» چیست توضیح دهید؟
- ابزار وحی ویژه پیامبران است ؛ خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معرفتی در اختیار بشر قرار می دهد که به آن « معرفت و حیانی» می گویند.

کشف ارتباط:

هریک از عبارات ها درستون مناسب بنویسید.

الف) عقل قادر است بدون استفاده از یافته های تجربی و صرفاً با تأمل به حقایقی برسد و دانش هایی را پایه گذاری کند.

ب) معرفتی که از طریق قلب یا دل به دست می آید.

ج) ابزار وحی ویژه پیامبران است ؛ خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معرفتی در اختیار بشر قرار می دهد که به آن « معرفت و حیانی» می گویند.

د) عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته های حسی می تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد این نوع شناخت با همکاری عقل و حس به دست می آید.

معرفت شهودی	معرفت و حیانی	شناخت عقلی	شناخت تجربی
الف	ج	ب	د

سوالات چهارگزینه ای

۱- کدام گزینه در مورد شناخت تجربی درست نیست؟

الف) این نوع شناخت با همکاری عقل و حس به دست می آید.

ب) عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته های حسی می تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد.

ج) شناخت تجربی بر قاعده های عقلی مهم متکی است.

د) این شناخت به قدری برای معتبر است که بر پایه آن در طبیعت زندگی می کنیم. گزینه د

۲- کدام گزینه در مورد شناخت حسی درست نیست؟

الف) گرچه گاهی در شناخت حسی خطا رخ می دهد، اما این شناخت به قدری برای معتبر است که بر پایه آن در طبیعت زندگی می کنیم،

(ب) بوسیله شناخت حسی از اشیای طبیعی بهره می‌بریم و نیازهایمان را برطرف می‌سازیم.
 (ج) یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی، که زمینه تفکر عقلی قرار می‌گیرد، توانایی ما در شناخت تفاوت‌ها و تمایزهای اشیا است.
 (د) به کمک آن انسان می‌تواند بی‌واسطه به حقایق برسد و معرفت کسب کند.
 ۳- کدام گزینه بیانگر تفاوت شناخت تجربی و عقلی است:

(الف) شناخت تجربی با همکاری عقل و حس به دست می‌آید اما شناخت عقلی بدون استفاده از یافته‌های تجربی و صرفاً با تأمل می‌توان به حقایق رسید.

(ب) در شناخت عقلی با استفاده از یافته‌های تجربی و نه صرفاً با تأمل به حقایق می‌رسیم.

(ج) شناخت عقلی و دانستنی‌های آن از طریق حواس و تجربه به دست نمی‌آید؛ بلکه فقط از طریق تعقل محض می‌توان به آن رسید.

(د) شناخت تجربی بر چند قاعده عقلی مهم متکی است که دانشمند در هنگام بررسی داده‌های حسی، آن قاعده‌ها را در نظر دارد و از آنها بهره می‌برد.
 گزینه الف

۴- کدام گزینه جزء قواعد مهم عقلی که شناخت تجربی به آن متکی است، نمی‌باشد؟
 (۱) پدیده‌ها خود به خود پدید نمی‌آیند، بلکه هر پدیده‌ای نیازمند علت است.

(۲) هر پدیده‌ای علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیز پدید نمی‌آید.

(۳) طبیعت، همواره یکسان عمل می‌کند.

(۴) شناخت هر پدیده بدون شناخت علت امکان پذیر است.

۵- از اولین دانشمندانی که مبانی علوم تجربی را پایه‌گذاری کرد و دانشمند دیگری که در گسترش اندیشه‌های او درباره قانون علیت و ابعاد آن تأملات عمیقی کرد.
 (الف) ارسطو - ابن سینا (ب) افلاطون ابن سینا (ج) ارسطو - افلاطون (د) افلاطون - ارسطو

گزینه الف

سوالات درس هشت (نگاهی به تاریخچه معرفت)

درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید.

۱- اولین دوره معرفت‌شناسی به دوره یونان باز می‌گردد. صحیح

۲- در دوره یونان، معرفت‌شناسی به صورت مستقل مطرح بود. غلط

۳- پارمنیدس از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، از کسانی بود که شناخت حسی را به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می‌دهد، معتبر نمی‌دانست. صحیح

۴- پارمنیدس معتقد بود که حرکت وجود دارد زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم شده و احتمال خطا در حس وجود ندارد. غلط

۵- پروتاگوراس که طرز تلقی سوفسطائیان را داشت می‌گفت حقیقت همان چیزی است که حواس به آن گواهی دهد. صحیح

۶- از نظر افلاطون، ابزار حسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می‌دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان‌پذیر است.
 صحیح

۷- فارابی و ابن سینا مانند افلاطون و ارسطو هم حس و هم عقل را معتبر می‌دانستند. صحیح

۸- فارابی و ابن سینا برای شناسخت و حیانی اعتبار خاصی قائل نبودند. غلط

۹- سه‌رودی بر معرفت‌شهودی تأکید بسیار می‌کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی، به دست آورده بود تبیین استدلالی کند. صحیح

۱۰- ملا صدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است از شهود و اشراق نیز بهره‌مند است. صحیح

۱۱- در دوره جدید فلسفه اروپا که از قرن ۱۶ با پیشگامی فرانسویس بیکن و دکارت آغاز می‌شود، به معرفت‌شناسی توجه ویژه‌ای شد و از آن دوره به بعد معرفت‌شناسی در کانون مباحثات فلسفی قرار گرفت. صحیح

۱۲- بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت عقل اصرار می‌ورد و به اصلت عقل معتقد بود. غلط

۱۳- دکارت فیلسوف و ریاضی‌دان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار نمی‌داد. غلط

- ۱۴- کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید بین دو گرایش (تجربه گرایی و عقل گرایی) آشتی دهد و نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. صحیح
- ۱۵- تلاش کانت برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب منجر نشد. غلط
- ۱۶- پوزیتیویسم یا اثبات گرایی (ناشی از تلاش کانت) دیدگاه جدید در معرفت شناسی غرب است که ناشی از تلاش کانت است؟ صحیح
- ۱۷- از نظر پوزیتیویست ها، اموری که از طریق تجربه قابل بررسی و ارزیابی نیستند، اصولا اموری بی معنا هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است. صحیح
- ۱۸- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را نیز برای اولین بار استفاده کرد اوگست کنت فیلسوف فرانسوی در قرن ۱۸ است. صحیح
- ۱۹- نسبی گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی خود درباره امور به شسناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر یکسان است. غلط
- ۲۰- پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت. صحیح
- جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.**
- ۲۱- اولین دوره معرفت شناسی به دوره.....باز می گردد. یونان
- ۲۲- هر چند در دوره یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود اما در.....ومیزان انطباق شناخت با.....از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود. ارزش شناخت- واقعیت
- ۲۳- پارمنیدس از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، از کسانی بود که.....رابطه دلیل خطاهایی که گاه در.....رخ می دهد معتبر نمی دانست. تنها شناخت عقلی را از.....قائل بود. شناخت حسی- حواس
- ۲۴- پارمنیدس معتقد بود که حرکت وجود ندارد زیرا حرکت از طریق..... برای ما معلوم شده و احتمال خطا در..... وجود دارد. حس- حس
- ۲۵- گروهی دیگر همچون هراکلیتوس چنین فکر می کردند که شناخت حسی.....است و به همین دلیل وجود حرکت را در عالم.....داشته اند چون حرکت قابل مشاهده حسی است. معتبر- قبول
- ۲۶- سوفسطائیان به سبب مغالطه هایی که برای آنها رخ داده بود، اصل امکان شناخت.....را زیر سوال برده و مدعی شدند که نه از راه حس و نه راه عقل نمی توان به.....رسید. واقعیت- واقعیت
- ۲۷- پروتاگوراس که طرز تلقی.....داشت، می گفت حقیقت همان چیزی است که.....هر کس به آن گواهی دهد. سوفسطائیان- حواس
- ۲۸- پروتاگوراس اعتقاد داشت که اشیاء هر طور که در هر نوبت به نظر من می آیند در آن نوبت.....هستند و هر طور که به نظر تو می آیند برای تو نیز.....هستند. همان طور- همان طور
- ۲۹- از نظر افلاطون، ابزار.....فقط توانایی درک این جهان را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با.....امکان پذیر است. حسی- عقل و شهود
- ۳۰- حکیم ابو نصر فارابی و شیخ الرئیس ابن سینا مانند افلاطون و ارسطو هم.....و هم.....را معتبر می دانستند. حس- عقل
- ۳۱- این دو فیلسوف (فارابی و ابن سینا) برای شناخت.....هم اعتبار خاصی قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. و حیانی
- ۳۲- شیخ شهاب الدین سهروردی مشهور به.....علاوه بر فلسفه در.....نیز شخصیتی مهم به شمار می رود. شیخ اشراق- عرفان
- ۳۳- ملاصدرا ی شیرازی فیلسوف بزرگ قرن ۱۱ هجری راه.....تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از.....در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. شیخ اشراق- معرفت شهودی
- ۳۴- ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملا هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است از.....و.....نیز بهره مند است. شهود و اشراق

- ۳۵- ملاصدرا پیوند مستحکمی میان و..... برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف و حیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند. فلسفه- معرفت
- ۳۶- عموم فیلسوفان جهان اسلام ، هم برای معرفت..... و هم برای معرفت..... اعتبار قائل هستند. حسی- عقلی
- ۳۷- صدر المتألهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان (شهود) و..... وحی و سنت گذاشت. عقل و کشف - شرع
- ۳۸- گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند به..... و گروهی که به عقل و استدلال های عقلی اهمیت می دادند به..... مشهور شدند. تجربه گرایان- عقل گرایان
- ۳۹- بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت اصرار می ورزید و به اصالت اصرار می ورزید. حس و تجربه - تجربه
- ۴۰- دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی ، به اهمیت بسیار می داد. تفکر عقلی
- ۴۱- کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید بین دو گرایش (تجربه گرایی و عقل گرایی) آشتی دهد و نشان دهد که معرفت حاصل همکاری و..... است. عقل و حس
- ۴۲- کانت بر آن بود که قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه و..... بدست نمی آورد. حس و تجربه
- ۴۳- تلاش کانت برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب منجر شد یکی از این دیدگاه ها یا..... است. پوزیتویسم یا اثبات گرایی
- ۴۴- از نظر پوزیتویست ها ، اموری که از طریق قابل بررسی و ارزیابی نیستند، اصولا اموری..... هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است. تجربه- بی معنا
- ۴۵- یکی از مؤسسان پوزیتویسم که این اصطلاح را نیز برای اولین بار استفاده کرد..... فیلسوف قرن ۱۸ است. اوگست کنت- فرانسوی
- ۴۶- به حاشیه رفتن و..... و توجه به مسئله تجربه، سبب رشد دانش هایی شد که به تجربه و آزمایش های تجربی استوار بودند. استدلال عقلی- جریان عقل گرایی
- ۴۷- نسبی گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب خود درباره امور به می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است. ویژگی های- شناختی
- ۴۸- پراگماتیست ها می گویند هدف ما کشف..... نیست، بلکه ما نیازمند..... هستیم که در عمل به کار ما بیانند و سودمندی خود را نشان دهند. واقعیت- باورهای مفیدی
- ۴۹- ویلیام جیمز و برگسون از جمله کسانی اند که به و..... معتقدند و به بعد معنوی انسان اهمیت می دهند. شهود عرفانی - تجربه دینی
- سوالات کوتاه پاسخ**
- ۵۰- اولین دوره معرفت شناسی به کدام دوره باز می گردد؟ یونان
- ۵۱- دیدگاه پارمنیدس از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، را در مورد شناخت حسی بنویسید؟ پارمنیدس شناخت حسی را به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، معتبر نمی دانست و تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود.
- ۵۲- چرا پارمنیدس وجود حرکت را انکار می کرد؟ زیرا معتقد بود که حرکت از طریق حس برای ما معلوم شده و احتمال خطا در حس وجود دارد.
- ۵۳- دیدگاه هراکلیتوس را در مورد شناخت حسی و حرکت بیان کنید؟ به وی شناخت حسی معتبر است و به همین دلیل وجود حرکت را در عالم قبول داشت چون حرکت قابل مشاهده حسی است.
- ۵۴- دو جریان فکری که در دوره جدید در اروپا شکل گرفت رانام ببرید؟ تجربه گرایی و عقل گرایی
- ۵۵- در دوره جدید فلسفه در اروپا که از قرن ۱۶ با پیشگامی فرانسیس بیکن و دکارت آغاز می شود، بحث وجدال فلسفی ، بیشتر بر سر چه موضوعاتی بود؟ در کسب معرفت، آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر مارابه حقایق می رساند یا استدلال عقلی

۵۶- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را نیز برای اولین بار استفاده کرد، چه کسی بود؟ اوگوست کنت فرانسوی در قرن ۱۸
۵۷- نام دوتن از فیلسوفان معاصر که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقد بوده و به بعد معنوی انسان اهمیت می دهند انام ببرید؟ ویلیام
جیمز وبرگسون

سوالات تشریحی

- ۵۸- اولین دوره معرفت شناسی به کدام دوره باز می گردد و چه مسائلی نظر فیلسوفان آن دوره را به خود جلب کرده بود؟
یونان- ارزش شناخت و میزان انطباق شناخت انسان با واقعیت
- ۵۹- چه کسانی اصل امکان شناخت را زیر سوال بردند و چرا؟ سوفسطائیان به سبب مغالطه هایی که برای آنها رخ داده بود مدعی شدند که نه از راه حس و نه راه عقل، نمی توان به حقیقت رسید.
- ۶۰- دیدگاه پروتاگوراس را در مورد حقیقت بیان کنید؟ پروتاگوراس که طرز تلقی سوفسطائیان را داشت، می گفت حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد؛ یعنی هر چیزی، برای کسی که به آن معتقد است، حقیقت به شمار می رود، حتی اگر برای کسی دیگر چنین نباشد. پس حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد. پروتاگوراس اعتقاد داشت که اشیاء، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آید، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می آیند، برای تو نیز همان طور هستند.
- ۶۱- ارسطو چگونه توانست راه های معتبر شناخت و روش های رسیدن به آن را تبیین کند؟ با تدوین منطق گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع دچار شدن انسان ها به سفسطه شود.
- ۶۲- با توجه به تمثیل غار افلاطون و اعتقاد وی به عالم مثل، عالم طبیعت را با عالم مثل مقایسه نموده و توضیح دهید چگونه می توان به حقایق دست یافت؟ بنابراین افلاطون، با توجه به تمثیل غار و اعتقاد به عالم مثل، اگر بخواهیم این را با عالم مثل مقایسه کنیم، این عالم، سایه آن عالم شسمرده می شود و اگر انسان به آن جهان برتر راه یابد، می تواند حقایق آن را نظاره کند. از نظر افلاطون، ابزار حسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان پذیر است، به همین دلیل اط نظر او، گرچه حس اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است؛ زیرا صرفاً جهان سایه ها را به ما نشان می دهد نه آن جهان برتر را
- ۶۳- دیدگاه فرایی و ابن سینا را درباره اعتبار حس و عقل و شناخت و حیانی و شهودی بیان کنید؟ فرایی و ابن سینا مانند افلاطون و ارسطو، هم حس و هم عقل را معتبر می دانستند، آنان علاوه بر اینکه برای شناخت و حیانی اعتبار خاصی قائل بودند و آن را یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد، نیم نگاهی هم به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند.
- ۶۴- دیدگاه سهروردی را درباره معرفت شهودی تبیین کنید؟ سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهود ها بنا نماید.
- ۶۵- ملاصدر چگونه توانست میان فلسفه و معرفت و حیانی (عقل و وحی) پیوند مستحکمی برقرار نماید؟ ملاصدرا با بهره مندی از همه ابزار های معرفت، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. وی توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، اطمینان و اشراق نیز بهره مند است. او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت و حیانی برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف و حیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تایید کننده یکدیگرند.
- ۶۶- دیدگاه ملا صدرا را درباره ارتباط عقل و دین توضیح دهید؟ ملا صدرا در کتاب «مبدأ و معا» می گوید: عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت انور با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

- ۶۷- نظر علامه طباطبایی در مورد نقش ملاصدرا در ایجاد پیوند مستحکم میان عقل و وحی را بنویسید؟ علامه طباطبایی فیلسوف بزرگ معاصر می گوید؟ « صدر المتالهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث به دست می آید) استفاده نمود. اگرچه ریشه این نظر در کلمات معلم ثانی (فارابی) ابن سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیر الدین طوسی نیز به چشم می خورد، ولی این صدر المتالهین است که توفیق کامل انجام این مقصد را پیدا کرد.
- ۶۸- دیدگاه تجربه گرایان و عقل گرایان رادرمورد شناخت بنویسید؟ گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند، به « تجربه گرایان » و گروهی که به عقل و استدلال عقلی اهمیت می دادند، به «عقل گرایان» مشهور شدند.
- ۶۹- نخستین کسی که در دوره جدید فلسفه در اروپا، براهمیت حس و تجربه اصرار ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود کیست و چه دیدگاهی دارد؟ بیکن- به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده بودند.
- ۷۰- تفاوت دیدگاه دکارت و بیکن رادرمورد معرفت شناسی توضیح دهید؟ دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، برخلاف بیکن به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و همچنین وی برعکس بیکن ، معتقد بود انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا . به اعتقاد دکارت انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد.
- ۷۱- کانت برای آشتی دادن میان دو دیدگاه تجربه گرایی و عقل گرایی چه دیدگاهی را مطرح نمود؟ کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید بین این دو گرایش آشتی دهد و نشان دهد که معرفت ، حاصل همکاری عقل و حس است. کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان مفاهیمی مانند زمان ، مکان و علیت رانزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد. به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او میرسد ، در قالب این مفاهیم قرار می دهد و درک می کند. به عنوان مثال ، انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید در می یابد و این دریافت، ناشی از همکاری دستگاه ادراکی با حس است که یکی بعدیت زمانی را می فهمد و دیگری تصویرها را از خارج به دستگاه ادراکی می رساند.
- ۷۲- چه عاملی سبب پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب از جمله مکتب پوزیتیویسم شد؟ تلاش کانت برای آشتی دادن میان مکاتب عقل گرایان و تجربه گرایان
- ۷۳- دیدگاه « پوزیتیویسم » یا « اثبات گرایی » درباره معرفت شناسی را توضیح دهید؟ از نظر پوزیتیویست ها اموری که از طریق تجربه قابل بررسی و ارزیابی نیستند، اصولا اموری بی معنا هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است . به اعتقاد ایشان ، تنها اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند؛ این امور اگر از طریق تجربه اثبات شوند ، معرفت به حساب می آیند، در غیر این صورت ، ارزش معرفتی ندارند و باید کنار گذاشته شوند.
- ۷۴- پیامدها و نتایج رشد اندیشه نسبی گرایی در معرفت شناسی غرب را بنویسید؟ رشد اندیشه نسبی گرایی به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی و توجه خاص به مسئله تجربه، سبب رشد دانش هایی شد که بر تجربه و آزمایش های تجربی استوار بودند؛ دانش هایی از قبیل فیزیک، شیمی ، زیست شناسی و پزشکی
- ۷۵- چرا توجه ویژه به تجربه و بی مبری به فکر عقلی ، در معرفت شناسی غربی ، اشکالات نظری متعددی را پدید آورده است؟ زیرا اولاً تجربه توانایی تبیین هر مسئله ای را ندارد ؛ مثلاً تجربه نمی توانست درباره نیاز جهان به مبداء و خدا، وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و خوب و بد های اخلاقی اظهار نظر کند، زیرا توانایی آن محدود به حس و تجربه بود. ثانياً: مسائلی مانند خطاهای تجربه ، تغییرات علوم تجربی و تفاوت های موجود در تجربه انسان های مختلف ، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد. در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع نمایی دانش تجربی ، بار دیگر با اشکال روبه رو شود و جریان های دیگر فلسفی برای تبیین جایگاه دانش تجربی پیدا شود.
- ۷۶- نظریه نسبی گرایی در معرفت شناسی را توضیح دهید؟ نسبی گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد مثلاً: براساس این دیدگاه، به طور مطلق نمی توان گفت « فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می کند» بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید « من در این وضعیت فکر می کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود»

- ۷۷- نسبی گرایی در معرفت شناسی ، به تدریج به چه حوزه هایی راه یافت؟ به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق ودین وارد شد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق ، دین و حقوق انجامید.
- ۷۸- دیدگاه پراگماتیسم یا اصالت عمل را توضیح دهید؟ پراگماتیست ها معتقد بودند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت. پراگماتیست ها می گویند هدف ما کشف واقعیت نیست ، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند؛ مثلا کسی که باور دارد آب در حال جوش بسیار داغ است و دست را می سوزاند، به آب جوش دست نمی زند دچار سوختگی نمی شود. پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده ، به معنی درست بودن است.

سوالات درس نهم (چیستی انسان)

درستی یا نادرستی عبارات های زیر را مشخص کنید.

- ۱- ارسطو معتقد بود که انسان ، از لحاظ منطقی، در جنس با سایر حیوانات مشترک است. صحیح
 - ۲- از نظر ارسطو ، انسان یک فصل ممیز و جداکننده به نام «نطق» یا «تفکر» و «اندیشه» دارد که او را از سایر حیوانات جدا می کند. صحیح
 - ۳- انسان نوعی متفاوت از سایر حیوانات است، او می تواند تفکر و استدلال نماید. صحیح
 - ۴- ارسطو معتقد بود که تفکر و نطق مربوط به بعد مادی وجود انسان ، یعنی روح است. غلط
 - ۵- دکارت، فیلسوف فرانسوی می گوید: منظور از «من» همان « بدن» است . غلط
 - ۶- ماتریالیست ها ، فیلسوفانی هستند که معتقدند هر چیز ، از جمله انسان؟، از نوعی ماده ساخته شده است. صحیح
 - ۷- از منظر ماتریالیست ها ، میان انسان و رایانه تفاوت حقیقی ای وجود دارد، تفاوت این دو فقط در میزان پیچیدگی است. غلط
 - ۸- داروینیست ها، فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات ، تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان نتایج فلسفی گرفتند. صحیح
 - ۹- داروینیست ها می گویند « انسان چیزی نیست ، جز یک حیوان مستوی القامه». صحیح
 - ۱۰- از نظر داروینیست ها ، چون تفاوت واقعی ای میان انسان و سایر حیوانات وجود دارد پس انسان ارزش ویژه ای دارد. غلط
 - ۱۱- ابن سینا نظر ارسطو درباره حقیقت انسان را پسندید و کوشید این دیدگاه را عمیق تر بیان کند. صحیح
 - ۱۲- از نظر ابن سینا ، روح که جنبه مادی دارد و از جنس موجودات غیر مادی نیست ؛ استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد. غلط
 - ۱۳- فیلسوفان اگزیستانسیالیست معتقدند که چیستی و ماهیت انسان ، برخلاف سایر پدیده های عالم ، از لحظه تولد و کسب « وجود» مشخص و معین نیست. صحیح
 - ۱۴- حکمت متعالیه نام کتب فلسفی علامه طباطبائی است. غلط
 - ۱۵- از دیدگاه مکتب متعالیه ، حقیقت انسان ، حقیقتی دو بعدی است: روح و بدن. صحیح
 - ۱۶- از نظر حکمت متعالیه روح انسانی اولین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند. غلط
 - ۱۷- از منظر مکتب متعالیه اگر چه انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد، اما این استعداد به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات نیست. صحیح
- جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.**
- ۱۸- ارسطو معتقد بود که انسان، از لحاظ..... در..... با سایر حیوانات مشترک است. منطقی- جنس
 - ۱۹- از نظر ارسطو انسان یک فصل ممیز به نام «.....» یا «.....» و «اندیشه ورزی» دارد که او را از سایر حیوانات جدا می کند. نطق- تفکر
 - ۲۰- ارسطو معتقد بود که تفکر و نطق مربوط به بعد..... وجود انسان ، یعنی «.....» است

غیر مادی - روح

۲۱- دکارت ، فیلسوف فرانسوی می گوید: منظور از «.....» همان «.....» است ، همان جایی که مرکز اندیشه ها و افکار ماست.

من - ذهن

۲۲- ماتریالیست ها فیلسوفانی هستند که معتقدند هرچیز، از جمله انسان از.....ساخته شده است. نوعی ماده

۲۳- ماتریالیست ها می گویند.....هم تنها مجموعه ای از سلول های مغزی است که افکار را جمع آوری می کند و به یکدیگرمی سازد.

ذهن - مرتبط

۲۴- از منظر ماتریالیست ها، میان.....و.....تفاوت حقیقی ای وجود ندارد، تفاوت این دو فقط در میزان پیچیدگی شان است.

انسان - رایانه

۲۵- داروینیست ها ، فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین دربارهتحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان ، نتایجگرفتند.

پیدایش حیات - فلسفی

مستوی القامه

۲۶- داروینیست ها می گویند: « انسان چیزی نیست ، جز یک حیوان.....»
۲۷- از نظر داروینیست ها ، چون تفاوت واقعی ای میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان.....قائل شد.

ارزش ویژه ای

۲۸- ابن سینا معتقد است که وقتی بدن دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله ای رسید که صاحب همه اندام های انسانی شده خداوند.....را به آن عطا می کند.

روح انسانی

۲۹- اگزیستا نیالیست ها معتقدند که.....و.....انسان، برخلاف سایر پدیده های عالم ، از لحظه تولد و کسب « وجود » مشخص و معین نیست.

چیستی - ماهیت

۳۰- به نظر اگزیستا نیالیست ها انسان درحالی موجود می شود کهو.....مشخص نشده است. چیستی - ماهیتش

ملاصدرا

۳۱- حکمت متعالیه نام مکتب فلسفیاست.

۳۲- از دیدگاه مکتب متعالیه حقیقت انسان همان گونه که افلاطون ، ارسطو، ابن سینا ، دکارت و بسیاری دیگر از فلاسفه گفته اند، حقیقتی.....است روح و بدن.

دوبعدی

۳۳- براساس مکتب حکمت متعالیه ، روح چیزی ضمیمه شده به بدن نیست بلکه نتیجه.....خود جسم و بدن است.

رشد و تکامل

۳۴- از نظر حکمت متعالیهآخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند.

روح انسانی

۳۵- از نظر حکمت متعالیه روح انسانندارد و روح می تواند به هر مرتبهدرجهات دست یابد.

پایان - کمال

۳۶- از نظر حکمت متعالیه ، اگر چه انسان ظرفیت و استعداد دارد، اما این استعداد به معنای رسیدنوی به کمالات نیست.

بی نهایت - حتمی

سوالات تشریحی

۳۷- انسان شناسی فلسفی به چه مسائل مهم و بنیادی در مورد انسان می پردازد؟

این شاخه از فلسفه ، به مسائل مهم و بنیادین درباره انسان، از قبیل چیستی انسان، جایگاه او در جهان ، آینده وی و نیز ویژگی های متمایز انسان و هویت اخلاقی او می پردازد.

۳۸- گاهی به جای « انسان شناسی » از چه واژه ای استفاده می شود و به چه معنایی به کار می رود؟

ازواژه « خود شناسی » که گاه به معنی شناخت هرکس از خود و ویژگی ها و خصالت های خودش به کار می رود. معنای اخیر بیشتر در مباحث اخلاقی و تربیت کاربرد دارد. و گاه مقصود از « خود » همان حقیقت انسانی است ؛ که در این معنا « خودشناسی » معادل همان « انسان شناسی » است.

۳۹- دیدگاه ارسطو را درباره وجه اشتراک و اختلاف انسان و حیوان بنویسید؟

ارسطو معتقد بود که انسان، اط لحاظ منطقی، درجنس با سایر حیوانات مشترک است؛ یعنی او هم حیوان است و ویژگی های حیوانات، ازقبیل غریزه ، احساس و ادراکات حسی را دارد. اما انسان یک فصل ممیز جداکننده به نام « نطق » یا « تفکر » و « اندیشه ورزی » دارد که او را از سایر حیوانات جدا می کند. انسان نوعی متفاوت از سایر حیوانات است؛ او می تواند استدلال نماید؛ استدلال و تفکر خود را با قوه نطق به دیگران منتقل کند و با آنها مراد علمی و فکری برقرار نماید.

۴۰- به اعتقاد ارسطو، تفکر و نطق مربوط به کدام بعد وجودی انسان است؟

مربوط به بعد غیر مادی وجود انسان، یعنی « روح » است. به نظر وی روح است که می اندیشد، اراده می کند و از بدن در کارهای مختلف بهره می گیرد.

۴۱- منظور از « من » در فلسفه دکارت چیست توضیح دهید؟

منظور از « من » همان « ذهن » است. همان جایی که مرکز اندیشه ها و افکار ماست. ما با ذهن خود استدلال می کنیم ، اثبات می کنیم ، می پذیریم یا رد می کنیم ، قضاوت می کنیم و نظر می دهیم.

۴۲- دوگانگی ذهن و بدن در فلسفه دکارت را توضیح دهید؟

در فلسفه دکارت ذهن ماغیر از بدن ماست و ذهن و بدن دو چیز متفاوت اند و کاملاً از یکدیگر مجزا هستند، گرچه با یکدیگر هستند و ذهن از بدن استفاده می کند به طور مثال ، ذهن آزاد است ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی پیروی می کند و آزاد نیست.

۴۳- دیدگاه ماتریالیست ها را در مورد انسان بنویسید؟

ماتریالیست ها فیلسوفانی اند که معتقدند هرچیز، از جمله انسان ، از نوعی ماده ساخته شده است. به نظر آنان ذهن هم تنها مجموعه ای از سلول های مغزی است که افکار را جمع و جور می کنند و به یکدیگر مرتبط می سازند. براساس این نظریه ، انسان نهایتاً مانند یک ماشین بسیار پیچیده است ، نه چیزی فراتر از آن. از منظر آنان ، میان انسان و رایانه تفاوت حقیقی ای وجود ندارد؛ تفاوت این دو فقط در میزان پیچیدگی شان است.

۴۴- دیدگاه داروینیست ها را در مورد انسان توضیح دهید؟

داروینیست ها ، فیلسوفانی هستند که نظریه داروین درباره پیدایش حیات ، تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند. داروینیست ها می گویند: « انسان چیزی نیست ، جز یک حیوان مستوی القامه » و بنابراین انسان تفاوت واقعی با سایر حیوانات ندارد؛ همان طور که یک کرم بایک پرنده تفاوت ندارد . انسان نیز تفاوت واقعی با پرنده ندارد.

۴۵- چرا طبق دیدگاه داروینیست ها نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد و دلیل توجه انسان به فضایل اخلاقی چیست؟

از نظر آنان چون تفاوت واقعی ای میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد. و اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه کرده، به این دلیل نبوده که فضیلت گرایی در نهاد و فطرت او وجود داشته ، بلکه به این دلیل بوده که انسان ، ناچار، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده و این زیست اجتماعی او را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است.

۴۶- به عقیده ابن سینا، خداوند چه زمانی روح انسانی را به وی عطا می کند؟

وقتی بدن دوره جنینی را در رحم مادر گذرانند و به مرحله ای رسید که صاحب همه اندام های انسانی شد، خداوند روح انسانی را با آن عطا می کند.

۴۷- به عقیده ابن سینا، روح انسانی چه ویژگی هایی دارد؟ و چگونه استعداد کسب علم را به دست می آورد؟

این روح، جنبه غیر مادی دارد و از جنس موجودات مجرد و غیر مادی است، و از طریق تفکر، استعداد کسب علم را پیدا می کند. این روح همچنین می تواند اموری از قبیل اخلاق، عشق، دوستی، نفرت، پرستش و معنویت را در یابد و آنها را در خود پدید آورد.

۴۸- دیدگاه فیلسوفان اگزیستانسیالیست را درباره انسان توضیح دهید؟

فیلسوفان اگزیستانسیالیست معتقدند که چستی انسان، برخلاف سایر پدیده های عالم، از لحظه تولد و کسب وجود» مشخص و معین نیست. یعنی انسان طلا، آن، گل سرخ یا گربه نیست که در همان زمان پیدایش معین شده باشد. به نظر اگزیستانسیالیست ها، انسان در حالی موجود می شود که چستی و ماهیتش مشخص نشده است. او با دست خود و عمل و زندگی خود ماهیت خود را رقم می زند و معلوم می کند شجاع است یا ترسو، سخی است یا بخیل، عزیز است یا ذلیل.

۴۹- دیدگاه حکمت متعالیه را در مورد حقیقت انسان توضیح دهید؟

از دیدگاه حکمت متعالیه حقیقت انسان همان گونه که افلاطون، ارسطو، ابن سینا، دکارت و بسیاری دیگر از فیلسوفان گفته اند حقیقتی دو بعدی است: روح و بدن. روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند. ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می تواند به هر مرتبه کمالی در جهان دست یابد. مراحل تکاملی طبیعت، وقتی از گیاه و حیوان می گذرد و به انسان می رسد، ظرفیتی بی نهایت پیدا می کند و به هیچ درجه ای از کمال قانع نمی شود.

۵۰- با توجه به دیدگاه حکمت متعالیه، ظرفیت و استعداد انسان چگونه است؟ توضیح دهید؟

از منظر مکتب فلسفی متعالیه اگر چه انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد، اما این استعداد به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات نیست. انسان باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت را به فعلیت برساند. یعنی باید مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید و با ایمان و عمل این مسیر را طی کند. انسان اختیار دارد که مسیرهای دیگری غیر از این مسیر تکامل را برگزیند. بنابراین در ابتدای زندگی معلوم نیست هر انسانی چه هویتی خواهد داشت، شجاع خواهد بود یا ترسو، سخی خواهد بود یا بخیل، عالم خواهد بود یا نادان، همه اینها به صورت باقوه در وجود انسان هست و بالفعل شدن هر کدام از آنها، به گزینش ها و شیوه زندگی انسان مربوط است.

سوالات درس دهم (انسان موجودی اخلاق گرا)

درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید.

- ۱- انسان با مفهوم اخلاق آشناست و می تواند خوب و بد اخلاقی را درک کند صحیح
- ۲- برخی از متفکران، انسان را براساس ویژگی اخلاقی، چنین تعریف کرده اند: انسان موجودی است اخلاقی که حسن و قبح را درک می کند و کارهایی براساس این درک انجام می دهد. صحیح
- ۳- کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای خود انجام می دهد «فعل طبیعی» می نامند. صحیح
- ۴- کارهایی که مورد ستایش یا خدمت و سرزنش واقع می شوند «فعل اخلاقی» می گویند. صحیح
- ۵- از نظر ارسطو فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. غلط
- ۶- به اعتقاد افلاطون فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد ردیلت و بدی شمرده می شود. صحیح

- ۷- به اعتقاد افلاطون در وجود انسان سه قوه اصلی فعال هستند: قوه شوت، قوه غضب و قوه عقل صحیح
- ۸- ارسطو معتقد است که اگر عقل حاکم باشد، قوه شهوت پسا از گلیم خود درازتر نمی کند و «خویشتن داری» پیش می گیرد. غلط
- ۹- افلاطون معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد. غلط
- ۱۰- به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود. صحیح
- ۱۱- از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشد، انسان به سعادت می رسد. صحیح
- ۱۲- کانت، فیلسوف قرن هجدهم آلمان، عقیده دارد که معیار فعل اخلاقی را باید در خط اعتدال جست و جو کرد. غلط
- ۱۳- کانت می گوید: هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند. صحیح
- ۱۴- هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد خیر اخلاقی شمرده می شود. صحیح
- ۱۵- دکارت می گوید: بر طبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود. غلط
- ۱۶- فیلسوفان طبیعت گرا و عموم کسانی که بعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو می کنند. صحیح
- ۱۷- فیلسوفان طبیعت گرا، معتقدند که، انسان مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام نمی دهد. غلط
- ۱۸- فیلسوفان طبیعت گرا معتقدند، از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند. صحیح
- ۱۹- توماس هابز می گوید: هرگاه انسان بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند. صحیح
- ۲۰- طبق دیدگاه هابز، انسان زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده است. صحیح
- ۲۱- ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، عقل را منبع شناخت فضیلت ها و ردیلت ها می دانند. صحیح
- ۲۲- فلاسفه مسلمان می گویند اگر چه بشر به فضیلت ها علاقه مند است و عقل او آنها را زیبا و خوب می داند، اما رفتن به سوی این فضائل و عمل بر اساس آنها آسان است. غلط
- ۲۳- فلاسفه مسلمان می گویند: انسان دو دسته فعل دارد: فعل طبیعی و فعل اخلاقی صحیح
- ۲۴- فلاسفه مسلمان معتقدند، اینکه انسان می تواند فضائل و ردائیل را بشناسد وقتی به آنها علاقه بورزد، به تنهایی می تواند باعث ترک ردیلت و تمایل به کسب فضیلت باشد. غلط

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۲۵- انسان با مفهوم..... آشناست و می تواند خوب و بد را درک کند. اخلاق- اخلاقی
- ۲۶- کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای خود انجام می دهد..... می نامند. فعل طبیعی
- ۲۷- کارهایی که مورد ستایش و تحسین یا خدمت و سرزنش واقع می شوند..... می گویند. فعل اخلاقی
- ۲۸- از نظر افلاطون فعل اخلاقی با..... و..... حقیقی آدمی رابطه دارد. سعادت- نیک بختی
- ۲۹- به اعتقاد افلاطون؛ فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد..... محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد..... و بدی شمرده می شود. فضیلت- ردیلت

۳۰- طبق دیدگاه افلاطون: در وجود انسان سه قوه اصلی فعال هستند: «.....» که انسان را به سوی لذایذ و امیال مختلف فرا می خواند. «.....» که انسان را در برابر خطرهای و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند و «قوه عقل» که خوب را از بد تشخیص می دهد. قوه شهوت - قوه غضب

۳۱- افلاطون می گوید: اگر عقل حاکم باشد قوه.....پا از گلیم خود درازتر نمی کند و «.....» پیش می گیرد. قوه شهوت

۳۲- افلاطون می گوید: اگر عقل حاکم باشد، قوه غضب متصف به «.....» می شود و عقل نیز به صفت «.....» می رسد. شجاعت - حکمت

۳۳- انسانی که به چهار فضیلت «.....»، «.....» در «شجاعت» و «عدالت» نیک بخت است. حکمت - خویشتن داری

۳۴- ارسطو معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان بهدر میان قوا می رسد و همین.....، عامل سعادت و نیک بختی انسان است. اعتدال - اعتدال

۳۵- به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما.....می تواند مانع این افراط و تفریط شود. عقل

۳۶- کانت فیلسوف قرن هجدهم آلمان، عقده دارد که معیار فعل اخلاقی را باید در «.....» جست و جو کرد. وجدان اخلاقی

۳۷- کانت می گوید: هر انسان در درون خود حقیقتی به نامدارد که او را به سوی عملدعوت می کند. وجدان اخلاقی - خیر اخلاقی

۳۸- هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد.....شمرده می شود. خیر اخلاقی

۳۹- فیلسوفان طبیعت گرا و عموم کسانی که بعد روحی و معنوی را باور ندارند ریشه های فعل اخلاقی را در همان.....انسان جست و جو می کنند. رفتار طبیعی

۴۰- توماس هابز می گوید: هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد باید به دیگران هم حق بدهد که.....به همان میزان.....باشند. در برابر او - آزاد

۴۱- ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، عقل را منبع شناخت فضیلت ها و ردیلت ها می دانند و این عقل، را از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهدمی نامند. عقل عملی

۴۲- فلاسفه مسلمان معتقدند، اینکه انسان می تواند فضائل و ردائیل را بشناسد و حتی به آنها علاقه بورزد، به تنهایی نمی تواند باعث.....و تمایل بهباشد. ترک ردیلت - کسب فضیلت

سوالات تشریحی

۴۳- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد آن دو را نام برده و هر کدام را با ذکر مثالی توضیح دهید؟

فعل طبیعی و فعل اخلاقی

فعل طبیعی: کارهایی که انسان به طور عادی آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، از قبیل خرید، کار، خواب و استراحت، آشپزی و ورزش و تفریح

فعل اخلاقی: کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا خدمت و سرزنش واقع می شوند؛ مانند احسان و کمک به دیگران، ایثار و فداکاری و مبارزه با ظلم و نابرابری

۴۴- به اعتقاد افلاطون معیار فعل اخلاقی چیست؟

از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد وی، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، ردیلت و بدی شمرده می شود.

۴۵- افلاطون در پاسخ به این سوال ن در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است؟ چه دیدگاهی ارائه می کند؟

در وجود انسان سه قوه اصلی فعال هستند: « قوه شهوت» که انسان را به سوی لذایذ و امیال مختلف فرا می خواند. « قوه غضب» که انسان را در برابر خطر ها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند. و « قوه عقل» که خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند. بنابراین عمل انسان در صورتی در جهت سعادت است که بنا بر فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد.

۴۶- به نظر افلاطون اگر عقل بر قوه غضب و قوه شهوت حاکم شود چه نتایج اخلاقی حاصل می شود؟

افلاطون می گوید؛ اگر عقل حاکم باشد؛ پا از گلیم خود درازتر نمی کند و «خویشتن داری» پیش می گیرد. قوه غضب متصف به « شجاعت» می شود. عقل نیز به صفت « حکمت» می رسد. بر ایند نتیجه چنین سامانی، برقراری « عدالت» میان قوای عقل و شهوت و غضب در سراسر شخصیت انسان است.

۴۷- طبق دیدگاه افلاطون برای اینکه انسان به نیک بختی و سعادت برسد باید به چه فضیلت هایی آراسته گردد؟

انسانی که به چهار فضیلت «حکمت»، «خویشتن داری»، «شجاعت» و «عدالت» است، نیک بخت است؛ این معیار میان همه انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند.

۴۸- معیار فضیلت اخلاقی طبق دیدگاه ارسطو چیست توضیح دهید؟

ارسطو معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک بختی انسان است. به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود. از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشد، انسان به سعادت می رسد. ارسطو معتقد است عقل هر انسانی این اعتدال را درک می کند و آن را به عنوان امری درست می پذیرد.

۴۹- کانت معیار فضیلت اخلاقی را در چه چیزی جست و جو می کند؟ توضیح دهید؟ (معیار فضیلت اخلاقی از دیدگاه کانت بیان کنید؟

کانت فیلسوف قرن ۱۸ آلمان، عقیده دارد معیار فعل اخلاقی را باید در « وجدان اخلاقی» جست و جو کرد. کانت می گوید: هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند. هر کاری که انسان آن را صرفا برای اطاعت اط وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود. مثلا اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند، انجام دهد، فضیلت است.

۵۰- قاعده اخلاقی کانت رانوشته و مقصود ایشان از این قاعده را بیان کنید؟

کانت می گوید « برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود» مقصود کانت این است که عمل هر انسانی باید به گونه ای باشد که اگر هم همان کار را در مورد وی انجام دادند، او آن کار را پسندیده و عاملان آن را تحسین کند.

۵۱- طبق جمله بسیار مشهور کانت که براساس آن معتقد است دو چیز وی را به شگفتی و داشته است؟ آن دو چیز کدامند؟ یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.

۵۲- فیلسوفان طبیعت گرا معتقدند که، ریشه های فعل اخلاقی را باید در کجا جست و جو کرد؟

فیلسوفان طبیعت گرا و عموم کسانی که بعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو می کنند. از نظر این گروه، انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد. بنابراین « خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضرر مان. از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند؛ در غیر این صورت، منفعت خودش نیز حفظ نمی شود.

۵۳- بنا بر عقیده توماس هابز، چرا انسان قواعد اخلاقی را ابداع می کند و آیا اموری مانند صداقت، عدالت و امانت داری، ارزش حقیقی داشته و فضیلت اخلاقی شمره می شوند؟

بنابراین دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده و مثلا گفته است: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد؛ در امانت نباید خیانت ورزید، براین اساس اموری مانند صداقت، عدالت

وامانت داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و فضیلت شمرده نمی شوند اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت افراد در رعایت آنهاست، باید آنها را مراعات کرد.

۵۴- بنابر دیدگاه ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها چیست؟ توضیح دهید؟

ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، عقل را منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها می دانند. عقل فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خویشتن داری و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود؛ درست مانند آب و غذا و اموری از این قبیل که جسم انسان را رشد می دهند بنابراین هر انسانی فضیلت ها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، بخل و ریاگریزان است. این رذائل اخلاقی به روح صدمه رسانده و آن را از کمال باز می دارند. بنابراین هر انسانی به دنبال کسب فضائل است؛ زیرا او با کسب این فضائل احساس نشاط و لذت می کند و به رضایت درونی می رسد.

۵۵- منظور از عقل عملی چیست؟ این عقل را از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد «عقل عملی» می نامند.

۵۶- چرا فلاسفه مسلمان بر این باورند که شناخت فضائل و رذائل و علاقه ورزی به آنها، به تنهایی نمی تواند باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت باشد؟

زیرا علاوه بر این تمایل ذاتی، پشتوانه ای دیگر هم لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد. این پشتوانه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست؛ اگر خداوند نیز ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذائل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود.

۵۷- بنابردیدگاه فلاسفه مسلمان، اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذائل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، آیا عمل به فضیلت قطعی و حتمی می شود؟ خیر- زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سرپیچی کند.